

عید غدیر؛ تولد دوباره امت در سایه ولایت

واژه «عید» از ریشه «عود» به معنای بازگشت است. اما این بازگشت، تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه فرصتی است برای بازگشت به فطرت پاک انسانی و تجدید پیمان با خداوند. در سنت اسلامی، دو عید فطر و قربان نقاط عطف روحانی شناخته می شوند. اما برای شیعیان، عید سومی نیز وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) خود آن را «عید» نامید. در معارف شیعی عید...الاکبر، عید بزرگ غدیر است.

این روز تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه زادروز هویت شیعه و تجلی کامل دین در سایه ولایت است.

ممکن است برای برخی سؤال باشد که چرا شیعیان عید غدیر را بزرگ می دارند. پاسخ در کلمات خود رسول اکرم (ص) نهفته است. ایشان در روز ۱۸ ذی الحجه، در روزی که خداوند در قرآن درباره آن فرموده است:

«الیوم اکملت لکم دینکم یعنی امروز دین شما را کامل کردم». در غدیر خم دست امیرالمؤمنین (ع) را بالا بردند و فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَا»

هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. و سپس افزودند: اَللّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ خدایا! دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که با او دشمنی کند. پیامبر (ص) این روز را «عید...الاکبر» (بزرگ ترین عید خدا) نامیدند. بنابراین درواقع غدیر یک انتخاب شیعی نیست، بلکه طبق آیات الهی، تکمیل کننده رسالت پیامبر (ص) است.

در روایت دیگری آمده است: زیاد بن محمد قال: دخلت علی ابي عبد... (علیه السلام) فقلت: للمسلمین عید غیر یوم الجمعه والفطر والاضحی؟ قال: نعم، الیوم الذی نصب فیه رسول... (صلی...علیه وآله وسلم) امیرالمؤمنین (علیه السلام)

زیاد بن محمد گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و گفتم: آیا مسلمانان، عیدی غیر از عید قربان و عید فطر و جمعه دارند؟ امام (ع) فرمود:

آری؛ روزی که رسول خدا (ص) امیرمؤمنان (ع) را [به خلافت و ولایت] منصوب کرد. درواقع اگر عید فطر، پایان ماه میهمانی خدا و عید قربان، پایان مناسک حج است، عید غدیر، پایان جاهلیت و آغاز امامت است. این روز، نقطه جدایی مسیر حق از انحراف است. امام رضا (ع) در توصیف غدیر می فرمایند:

«روز غدیر، روزی است که خداوند دین را کامل و نعمت را بر امت تمام کرد». امام رضا (ع) به شیعیان آموختند که در روز غدیر به یکدیگر تبریک بگویند و این جمله را زمزمه کنند:

«الحمد لله الذی جعلنا من الممتسکین بولایة امیرالمؤمنین: ستایش خدایی را که ما را از پاداران بر ولایت امیرالمؤمنین قرار داد.»

این عبارت پرمعنا، نشان می دهد که غدیر، یک پیمان زنده است؛ پیمانی که هر سال با یادآوری آن، شیعه هویت خود را بازبایی می کند.

در روایت دیگری امام رضا (ع) می فرمایند:

من زار فیه مؤمنأ دخل... قبره سبعین نورا ووسع فی قبره ویزور قبره کل یوم سبعون ألف ملک و یبشرونه بالجنه.

کسی که در روز غدیر مؤمنی را دیدار کند، خداوند هفتاد نور بر قبر او وارد می کند و قبرش را توسعه می دهد و هر روز ۷۰ هزار فرشته قبر او را زیارت می کنند و او را به بهشت بشارت می دهند.

با مقایسه عید بزرگ غدیر با سایر اعیاد اسلامی باید بگوییم در حالی که عید فطر و قربان، مناسک هایی عبادی هستند، غدیر، ترکیبی از عبادت و سیاست است. این روز به ما یادآوری می کند که دین از سیاست جدا نیست و ولایت امیرالمؤمنین (ع)، ضامن بقای اسلام ناب است.

همچنین مانند اعیاد دیگر درباره روزه گرفتن در این روز، بسیار سفارش شده است و از امام صادق (ع) نقل شده است:

روژه داشتن روز عید غدیر،مخ، کفاره گناه شصت سال است. اما چطور می توان عظمت این روز بزرگ را شناخت؟ باید بدانیم که پذیرش عید بزرگ غدیر، یعنی پذیرش ولایت... و رد طاعت. این همان موضوعی است که برخی دشمنان اسلام و دیگر افراد نا آگاه را واداشت تا غدیر را کمرنگ کنند و آن را به اندازه یک مناسبت تاریخی تقلیل دهند. بنابراین باید تمام تلاش خودمان را در بزرگداشت این عید بزرگ و انجام دستورات اهل بیت (ع) درباره این روز به کار ببندیم، ان شاء...!

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارات

پاداش «صله رحم»

اهل بیت (ع) اهل صله رحم بودند و همگان را نیز به این کار خیر دعوت می کردند. امام رضا (ع) در صله رحم الگوی جهانیان است و موعظه ها و سفارش های عالم آل محمد (ع) در موضوع صله رحم متعدد است. امام زین های ترک صله رحم و آثار و برکات آن را به پیروان خویش آموزش داده اند. در یک حدیث امام رضا (ع) در زمینه فواید و برکات صله رحم فرموده اند: «مَنْ صَمِنَ لِي وَاجِدَهُ صَمِنْتُ لَهُ رِزْقَهُ يَصِلُ رِجْمَهُ فَيُجِئُهُ... وَ يُؤْتِيهِ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ وَ يَزِيدُ فِي عُمْرِهِ وَ يُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ التِّي وَغَدَهُ، هر که انجام دادن یک کار را برای من ضمانت کند، من چهار پاداش را برای او تضمین می کنم: صله رحم کند و به خویشاوندان رسیدگی کند، پس خداوند او را دوست بدارد، روزی اش را فراوان سازد و عمرش را طولانی کند و به بهشتی که وعده داده است، داخل کند». (عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۳، ص ۳۷). از این حدیث اخلاقی، ارزش صله رحم آشکار می شود. امام رضا (ع) در این رهنمود خویش، جایگاه عالی و بلند رسیدگی به خویشاوندان را نشان داده اند. صله رحم به معنای رفت و آمد به منزل بستگان و فامیل و اتحاد و پیوستگی با خویشاوندان و بخشش و احسان و نیکی و کمک به آنان و آگاهی از مشکلات و رنج ها و نگرانی ها و نیازمندی های آنان و توجه به آن ها و تلاش برای رفع آن ها است. قطع رحم، ضد صله رحم است و خطرات زیادی دارد. امام رضا (ع) با این ستایش از صله رحم، قهر و درگیری با رحم و فامیل و بد رفتاری با آنان را نکوهش کرده اند. پدر و مادر و برادران و خواهران و عموها و عمه ها و دایی ها و خاله ها در رحم جای دارند و ارتباط و همکاری و ممدلی با آنان، گام برداشتن در راه اجرای آموزه های اخلاق رضوی است.

اجروائی که در این بیان امام رضا (ع) برای صله رحم وجود دارد، عامل ترغیب و تشویق مؤمنان به صله رحم و دوام و پایداری آن است. در این حدیث، امام رضا (ع) برای تشویق انسان ها به صله رحم چهار تضمین داده اند. براساس این حدیث رضوی، با صله رحم چهار تضمین «محبت الهی» و «توسعه رزق» و «افزایش عمر» و «ورود به بهشت» جاری خواهد شد.

صله رحم به صورت ها و انواع مختلف امکان پذیر است. حضوری و تلفنی و نوشتاری و پیامکی، راه های انجام آن است. صله رحم عامل شناخت و رفع مشکلات فامیل و وسیله تازه شدن دیدارها و باعث آرامش و آسایش فردی و اجتماعی است. فراموشی فامیل و رها کردن فامیل و تنها گذاشتن فامیل، روا نیست و خلاف این بیان اخلاقی امام هشتم (ع) است. شایسته است رضویون و پیروان امام رضا (ع) و زائران و مجاوران، آموزه های اخلاقی امام را فراگیرند و به آن عمل کنند. آراستگی به اخلاق رضوی و انجام دادن صله رحم باید فراگیر شود، چون راه سعادت و نجات انسان هاست.



جسم و جانی بیمار با حسادت

گزارش

آمنه مستقیمی | اگرچه اسلام به عنوان دین اخلاق و برنامه زیست مؤمنانه، همه رذایل و صفت های مذموم اخلاقی را نهی می کند و آثار و عواقب منفی آن ها را برمی شمارد، هستند در این میان رذایلی که حکم بستر و پایگاه برای رفتارهای سوء را دارند؛ مثل حسادت که ریشه و اساس بسیاری از رفتارهای ناپسندی است که از انسان سر می زند.

آتش بر هیزم حسناات

حسد یا حسادت از رذایل اخلاقی، به معنای آرزوی از بین رفتن نعمت ها و داشته های دیگران است و خواستن نعمت فقط برای خود. واژه حسد چهاربار در قرآن به کار رفته است. وجود این خصلت در شخص، گاه با تلاش برای نابودی داشته های دیگران همراه می شود. حسادت در بالاترین مراتب خود، باعث رنج بردن شخص از نیکبختی دیگران می شود. در حدیثی، تأثیر این خوی ناپسند بر تباه ساختن حسناات آدمی، به تأثیر آتش بر هیزم تشبیه شده است.

بدترین احساس قلب ...

در روایتی از امام صادق (ع) به حماد بن عیسی به نقل از لقمان، برای حسود سه نشانه ذکر شده است: «غیبت کردن پشت سر کسی که به او حسادت می ورزد، تملق و چاپلوسی در حضور او و شادی کردن در مصیبت ها و گرفتاری هایش». امیرالمؤمنین (ع) نیز در بیان آثار حسد می فرمایند: «حسادت، جز زیان و خشم، دستاوردی ندارد. حسادت، دل را سست و تن را بیمار می کند. بدترین چیزی که قلب آدمی احساس می کند، حسادت است» (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۶).

حسود بزرگی نمی یابد

بنابر تصریح برخی روایات، چشم زخم با حسد، پیوند تنگاتنگ دارد؛ چنان که مفسران، آیه ۵ سوره فلق را که در آن از حسادت حسودان یاد شده است، در این باره می دانند، «وَمِنْ شَرِّ خَائِبٍ إِذَا حَسَدَ، و از شر [هر] حسود آن گاه که حسد ورزد».

از امیرالمؤمنین (ع) روایت است که از دوستی با حسودان و بدخواهان، امری لازم و ضروری است؛ «وَدَّأَوْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَحْجَدُوا مِنْهُمْ أُولَئِئَاءَ... آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید و مساوی یکدیگر باشید، بنابراین از آن ها دوستانی انتخاب نکنید...»

(نساء، ۸۹).

روشنا

الإمام علی (ع):
ثَمَرَةُ التَّوَّاضُعِ الْمَحَبَّةُ.

امام علی (ع): دوستی و محبت، میوه فروتنی است.
(غررالحکم، ج ۳، ص ۳۲۷، ح ۴۶۱۳).

بخل؛ دیگر محصول حسادت

از نظر قرآن کریم، ناآگاهی از نقش مشیت و اراده الهی، عامل مهمی برای ایجاد حسادت در بسیاری از مردمان حتی در امور دینی است. از این رو حسادت و بدخواهی منافقان در حق پیامبر (ص) یا مؤمنان و رفتارهای زشت آن ها را به چهل و نادانی آنان نسبت می دهد. (نساء، آیه ۸۸ و ۸۹ و توبه آیه ۷۳ و ۷۴). از دیگر ناپهنجاری های اجتماعی که خاستگاه آن از نظر قرآن، حسادت است، به بخل می توان اشاره کرد. خداوند در آیات ۵، ۵۳ و ۵۴ سوره نسا با اشاره به بخل پیهودیان، ریشه آن را حسادت برمی شمارد که به ناپهنجاری ها دامن می زند.

راه درمان حسد

قرآن برای درمان رذیله اخلاقی حسادت، راه هایی را توصیه و تجویز می کند؛ از جمله توجه به گستردگی عطایای الهی به بندگان و درخواست از فضل خدا؛ چنان که در آیه ۳۴ سوره نسا می فرماید: «برتری هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده است، آرزو نکنید!... و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید!». البته طلب فضل و عنایت پروردگار به این معنا نیست که انسان به دنبال اسباب و عوامل رسیدن به خواسته ها نزود. توجه به حکمت و علم خدا در برتری ها و تفاوت ها نیز به درمان حسادت کمک می کند.

به خدا پناه ببریم

علمای علم اخلاق برای درمان بیماری حسد، روش های علمی و عملی ذکر کرده اند؛ از جمله تفکر درباره آسیب هایی که حسد به روح و روان می رساند و نیز ضررهای اخلاقی و دینی حسد؛ تقویت ایمان و توجه به حکمت خداوند، یادآوری نعمت هایی که به او عطا شده است، یادآوری افرادی که مشکلات ظاهری بیشتری دارند، تقویت نیروی عقل و تقویت رفتارهای خلاف حسادت، ارتباط معنوی با خداوند و توجه به توسل و توکل.

اولین گناه آسمان ها و سبب اولین خون در زمین!

اولین گناهی که در آسمان ها قرار گرفت، حسد بود. خدا گفت: «به آدم سجده کنید!»؛ شیطان گفت: ما بهتر از انسان هستیم، انسان از خاک آفریده شده است و ما از آتش آفریده شده ایم؛ «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف، ۱۲). زیر بار نفرت و مطرود شد. اولین خونی هم که در زمین ریخته شد، به خاطر حسادت بود. حسادت تا مرز برادرکشی پیش می رود. برادرهای یوسف (ع) به خاطر حسادت او را در چاه انداختند.

اما این دعا فقط گفتن یک جمله نیست، شرط دارد. باید سبک زندگی مان، حسینی شود. باید دروغ و بی عدالتی را از دلمان بکنانیم، باید در برابر ظلم، بی تفاوت نباشیم، باید در خفا همان باشیم که در ظاهر هستیم؛ وگرنه چگونه می خواهیم به برکت حسین، وجیه شویم؟ امروز از خودمان بیروسیم؛ اگر همه چیز از ما گرفته شود، آیا «حسین» در زندگی ما هست که آبرویمان را حفظ کند؟ آیا زندگی مان رنگ و بوی او را دارد؟ بیابیم این دعا را نه فقط بخوانیم، بلکه زندگی اش کنیم؛ باشد که وجاهتمان نزد خدا، حسینی باشد.

مطمئن تر برای گرفتن ما در لحظه هایی که چیزی نداریم؟ این فراز، اوج توسل است؛ نه به زبان که به عمق جان. حسین که راهش راه خداست، می تواند شفیع ما باشد در دنیا و آخرت، اگر دل به راهش داده باشیم.

اگر با یاد او زیسته باشیم، اگر به عشق او از گناه فاصله گرفته باشیم، اگر اشک بر میبشیم، ما را از غفلت بیرون کشیده باشد، آن گاه این دعا در جانمان معنا می گیرد.

«وجیه بودن» در فرهنگ قرآنی، نشانه مقبولیت و محبوبیت نزد خداوند است. یعنی بنده ای که هر گامش رحمت است و هردعایش، شنیده می شود. وقتی می گوئیم: خدایا! به حسین، ما را نزد خودت عزیز و مقبول قرار بده، در حقیقت به حسین، به مقام و مطلوبیتش، به خون مقدسش و به داغی که بر دوش تاریخ گذاشته است، پناه برده ایم. چه ضمانتی مطمئن تر از حسین؟ چه دستی

اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. مسعود فرشته پورا چه درخواستی بزرگ تر از اینکه انسان، نزد خدای خویش آبرومند باشد؛ نه به خاطر مقام و مال، نه به خاطر دانش یا شهرت، بلکه فقط و فقط به برکت حسین (ع)؟ این فراز از زیارت عاشورا، نقطه اوج تمنای یک دل عاشق است؛ دلی که در طول زیارت، از سلام و صلوات گذشته، از فریاد بر دشمنان عبور کرده و حالا، آرام گرفته و لب به دعا گشوده است. در میقات امروز در این فراز تأمل می کنیم؛ اینکه آبرو داشتن به چه معنایی می تواند باشد؟

میقات

روز ۱۳